



کارگران جهان متحد شوید!

شماره ۶۸ - اول شهریور ۱۳۸۶

نقدی بر شیوه برگزاری کنگره نهم «حزب کمونیست ایران»

اطلاعیه پایانی کنگره نهم «حزب کمونیست ایران» منتشر شد. ضمن تبریک به اعضا و رهبری این حزب، لازم دیدم به چند نکته اشاره بکنم.

اطلاعیه پایانی کنگره نهم حزب کمونیست ایران در حالی انتشار یافته است که قبل از برگزاری کنگره هیچکدام از مباحث سیاسی و تحلیلی و پیشنویس های گزارش سیاسی و مبانی قطعنامه ای این کنگره در اختیار جنبش قرار نگرفته است. چه بصورت کتبی و چه بصورت شفاهی. در حالیکه طبقه کارگر، مردم و احزاب و جریانات سیاسی حق دارند در مورد تحلیل ها و مباحث و طرح پیشنویس قطعنامه های مهم سیاسی احزاب قبل از اینکه به مصوبه تبدیل بشوند، بحث بکنند و نظر بدهند. اعضای یک حزب و سازمان سیاسی حق دارند قبل از اینکه وارد تصمیم گیری حول گزارش سیاسی و یا قطعنامه ها بی شوند که باسرنوشت سیاسی آنها، حزب شان و جنبش سروکار دارند، آنها را نه فقط در یک بحث آزاد درونی بلکه همچنین در یک بحث علنی مورد مذاقه قرار بدهند و انتقادات و پیشنهادات فعالین جنبش و صاحب نظران (چه عضو حزب و چه غیر عضو) را بخوانند. جواب مدافعیین طرح ها و نظراتی را که قرار است در کنگره به مصوبه جهت اجرا تبدیل بشوند را بشنوند و یا بخوانند، شاهد استدلالات و مبارزات نظری طرفین انتقاد کننده و انتقاد شونده باشند و در آنها شرکت و مداخله کنند.

ادامه در صفحه ۳

مقابله با گسترش سرکوبها

به تشدید مبارزه، هشیاری و سازمانیابی انقلابی نیازمندا است

سرکوبگریهای رژیم در حال گسترش است. همانطور که قابل پیشبینی بود با اجرای طرح تهاجم به زنان این سرکوبگریها وارد دوره جدیدی شده است. دستگیری کارگران، دانشجویان، زنان و فعالین اجتماعی و سیاسی سازماندهی و برپائی اعدامهای دسته جمعی تحت عنوان « مبارزه با اشراق» محکوم کردن روزنامه نگاران به اعدام و زندان و شلاق برای فعالین کارگری.. از جمله پیامد های برنامه ویژه تشدید سرکوب و ایجاد جو رعب و وحشت در جامعه است.

واقعیت این است که رژیم اسلامی از رشد و اعتلای جنبش های اجتماعی به وحشت افتاده است. گویا دامن زدن به بحرانها و تنشهای خارجی برای انحراف افکار عمومی از آنچه که در داخل میگذرد کافی نبوده است که اینک بر متن و زمینه چنین بحرانهایی سیاست تشدید سرکوب و برنامه ریزی برای خفه کردن این جنبشها را در سطحی گسترده به اجرا گذاشته است. هدف این ددمنشیا، دستگیری ها و زندانها و کشتارها کاملا واضح و روشن است. حذف عناصر پیشرو جنبشهای اجتماعی، نظیر کارگران، زنان، دانشجویان، معلمان، کارمندان، ملیتها... در دست راست تا ضمن ایجاد جو رعب و وحشت در درون جامعه، این جنبش ها را از هبران عملی و انقلابی خود محروم کنند، از سازمانیابی و گسترش آن جلوگیری به عمل بیاورند. و سرانجام سرکوب و امحای آنها را اسانتر و ممکن تر سازند.

تردید نیست که چنین سرکوب برنامه ریزی شده ای از پشتیبانی طبقه سرمایه دار و مافیای حاکم بر ایران و نیز سردمداران سرمایه جهانی بویژه امپریالیسم امریکا برخوردار است. آنها برغم ادعای دموکراسی خواهی و دفاع از حقوق بشر، اما در نهایت در مخالفت با حرکتهای آزادیخواهانه و سرکوب جنبش های اجتماعی و ایجاد مانع در برابر بیداری توده های مردم ورشد و اعتلا مبارزات آنها با مافیای حاکم بر ایران اختلافی ندارند. آنها در اجرای برنامه های سلطه طلبانه خود، چه با سران جمهوری اسلامی برای تغییرات مورد نظرشان به توافق برسند و چه نرسند، خواهان سرکوب و حذف کارگران پیشرو و رهبران عملی و رادیکال جنبشهای اجتماعی هستند تا فردا با دست باز و فراغ بال به استثمار و غارت و چپاول مشغول شوند و تحولات اجتماعی و سیاسی را آنگونه که طراحی میکنند و به نفع شان هست بدون هیچ مانعی به پیش ببرند. چه بهتر که بخشی از این وظیفه سرکوبگرانه را هم اکنون بدست ارتجاع حاکم عملی سازند. سکوت رسانه های غربی و یا عکس العملهای بسیار محدودشان نسبت به گسترش اعدامها و دستگیریها و سرکوب گریهای رژیم بیانگر همین واقعیت است.

ادامه در صفحه ۲

**پایانه سیاسی سی و دومین کنگره فوق العاده
احزاب کمونیست متحد - حزب کمونیست اتحاد شوروی**

در صفحه ۵

پایانه زندانیان محکوم به اعدام

در صفحه ۶

**تاکید فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل بر آزادی سریع
اسانلو، و صالحی**

در صفحه ۷

اعلامیه

در صفحه ۶

شعر

در صفحه ۲

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی

مقابله با گسترش سرکوبها

می خواستم مادرید را ببینم

دلم تنگ است و غمگینم
در این اوضاع دهشتناک
که انسان را به مسلخ
می برند هر دم
دلم چرکین و غمگین است
معلم را که می اموخت
بابا نان
به جرم داشتن دندان و بی نانی
به مسلخ می برند امروز
در این اوضاع که عاشق
را به جرم عاشقی
بر دار ارزوهایش می کنند اونگ
در این کشور که هر دم بر سر هر ره
کودکی نالان
به دنبال دلی نازک می گردد
همه دلتنگ و غمگینند

آسمان ابری است
کومه ها دلتنگ
سفره ها خالی
پدران بیمار
پسران بی کار
دلها تنگ
تو ان چیزی که می بینی به لب جان است
مگر دلتنگی خالی برای بچه ها نان می شود
یا کار؟
چاره پس چیست؟
چاره در جنگ است و در پیکار
چه می گویی
صلح
اری صلح واژه ای زیباست
از برای نان از برای
کار و حتی از برای صلح
چاره رنجبر فقط در وحدت است و در پیکار
اری اری وحدت و پیکار

محسن رجب زاده ۸۶/۵/۵

اما نه مادرید ماتادورها را از پس پرده های
سرخ شان برای دریدن گاوهای فلک زده!
و نه هیاهوی اولیه ی تماشاچیان بی خبر از رنج
به سلابه کشیده شدن حیوان درمانده!
می خواستم مادرید تب کرده
مادرید خروشان
مادرید همبستگی جهانی
مادرید سرخ
مادرید جولای ۱۹۳۶ را ببینم!

گریستم برایت
تلخ و درد آلود
در پرده اشک می دیدم
خاک کوچه هایت با خون می آمیخت
خون سرخ، خون گرم!

کوچه هایت بوی خون می داد
بوی خون ماریا،
بوی خون فرانسوا،
بوی خون سریوژا،
بوی خون بهمن
بوی عطر خون رفقایم از سراسر دنیا
زن، مرد
جوان، پیر

خیابان هایت بوی گنداب می داد
بوی توطئه
برای دفن انقلاب

بوی لاشه متعفن
بوی مردار سرمایه!
بوی استثمار
بوی تبعیض!
بوی زخمه ی زنجیر
برگرده ی بردگان
بردگان استعمار
بردگان کارمزدی!

اشک به صورتم شیار می کشید
چون خون سرخ رفقایم
بر خاک کوچه های تو

مادرید!

جولای ۲۰۰۷

فریده ثابتی

آنچه که روشن و مسلم است مبارزات جاری
با موانع عدیده ای روبروست. علاوه بر طبقه
حاکم ورژیم ارتجاعی و آزادی ستیز جمهوری
اسلامی، سرمایه جهانی و امپریالیسم آمریکا
درکمین نشسته اند. آنها برای تامین و تضمین
منافع خود و در راستای اجرای استراتژی منطقه
ای خود مشغول اقداماتی هستند که منافع آتی
خود در ایران را تضمین کنند. آنها با اختصاص
بودجه های کلان و طرح های مختلف تحت
عناوین مردم پسند، در تلاش اپوزیسیون سازی
و یا نفوذ در تشکلهای و جنبش های اجتماعی
هستند تا آنها را از مسیر واقعی خود منحرف
کرده و مبارزات جاری را در راستای منافع خود
سمت و سود دهند. علاوه بر آن فقدان تشکلهای
پایدار و ضعف و تفرقه سازمانهای انقلابی
و ناتوانی در تاثیرگذاری محسوس در روند
مبارزات جاری و انحرافات و اشکالات موجود
موانع اساسی دیگری هستند که در راه اعتلای
جنبش های اجتماعی در ایران قرار دارند.
در چنین شرایطی تاکید و اقدام عملی در راه
نزدیکی و انسجام نیروهای انقلابی، تمرکز
انرژی ها و امکانات در جهت سازماندهی مبارزه
نظری و عملی در راستای شناسائی و شناساندن
اقدامات و طرحها و برنامه های امپریالستی
و مبارزه با جریاناتی که با قلم و قدم خود به منافع
قدرت های مالی و مافیای قدرت و ثروت و مآلا
به ماندگاری رژیم ارتجاعی حاکم خدمت
میکند، ایجاد تشکلهای و نهاد های مناسب
شرایط کنونی، تلاش در جهت گسترش
اعتراضات و اقدامات توده ای و یافتن راه
کارهای موثر در مقابله با گسترش جو سرکوب
، تلاش برای هماهنگ کردن اقدامات انقلابی
یا جریان رشد یابنده جنبش، تدارک و کسب
آمادگی لازم برای بروز تحولات ناگهانی،
سازماندهی هسته ها، کمیته ها و سایر تشکلات
مخفی و نیمه مخفی در کنار تشکلهای علنی
برای تامین ارتباط و تداوم مبارزات و اعتصابات
در محیط های کارگری و غیره.. از جمله وظایفی
است که میباید در راستای مقابله با اقدامات
سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و سرنگونی
انقلابی آن دردستور قرار گیرند.

فقدان یک چنین روش و مکانیزمی ضربات جبران ناپذیری به ساختار تشکیلاتی و مبارزه سیاسی و تصمیمات احزاب و سازمانها وارد نموده است و احزاب و سازمانها تنها زمانی متوجه اشتباهات سیاسی و تشکیلاتی خود شده اند که کار از کار گذشته بوده است و در نهایت امر دود آن بیش از بیش به چشم کارگران و زحمتکشان رفته و ثمره تلاشها و جانفشانیهای اعضا را هدر داده است. علاوه بر آن عدم وجود مکانیسم بحث علنی بویژه در مورد گزارش ساسی و سایر تصمیمات سیاسی که بار امنیتی و درونی برای یک سازمان سیاسی و حزب ندارند به امر پرورش کادر های - جدید ضربه زده و جایگاه مبارزه نظری را در جنبش کمونیستی تقلیل میدهد و تحلیلهای سیاسی از اوضاع جامعه را از یک سند سیاسی حساس و پراهمیت و بمثابة مبنای عمل در فاصله دو کنگره به یک سند فورمال بی روح و تکراری تبدیل میکند. در عین حال بدلیل عدم مشارکت سایر نیروها و فعالین جنبش در یک چنین مباحثی به امر فعالیت های مشترک و همگرایی ها که میتواند بر سر بحث مشخص بر سر تحلیل های سیاسی از اوضاع بهبود یابد را دچار رکود میکند.

رفقا گفتن ندارد که گزارش سیاسی علاوه بر تحلیل شرایط بین المللی، تحلیل مشخص وضعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه در مقطع هر کنگره نیز هست که بر اساس آن تحلیل هم قطعنامه های سیاسی و عملی صادر میشوند، راستای سیاسی و تاکتیکی حزب در دوره جدید مشخص میشود و اینها همه با سرنوشت جامعه و حزب مزبور ارتباط لاینفکی دارند. چگونه میتوان در مورد طبقه کارگر، جنبش دانشجویی، زنان، مسئله مللی و غیره و غیره در یک کنگره تصمیم های سیاسی واقعینانه و کمتر اشتباه آمیزی گرفت، بدون آنکه فعالین و صاحب نظران این جنبش ها قبلا فرصت داشته باشند آنها را نقد بکنند و یا از آنها به دفاع برخیزند و یا اشتباهات و انحرافات احتمالی را قبل از کنگره تذکر بدهند؟ اعضائی که قرار است نماینده به کنگره بفرستند و یا نمایندگانی که قرار است با آرای خود طرح ها را به مصوبه تبدیل بکنند، چگونه میتوانند بدون شرکت در یک بحث آزاد و همه جانبه و علنی طرح های نمایندگان فکری خود را به محک آزمایش بگذارند و گرایشات واقعی فکری خود را با آگاهی کامل انتخاب بکنند و تصمیماتی آگاهانه و آزادانه بگیرند؟ و در فقدان علنیت مباحث سیاسی کدام مکانیزم نظارتی چنین آزادی و تصمیم از روی آگاهی

رفقا در اطلاعیه پایانی کنگره نهم خود نوشته اند: «کنگره در بخش رسیدگی به قرارها و قطعنامه های پیشنهادی، کلیات گزارش سیاسی کمیته مرکزی به کنگره را تایید کرد و تدقیق و آماده کردن آن برای انتشار را با توجه به مباحث کنگره به کمیته مرکزی منتخب کنگره سپرد.» این بدین معناست که کلیاتی البته ناکامل و نادقیق از گزارش سیاسی و پیشنهادهای بعنوان قطعنامه مطرح بوده است که قرار است بعدا کمیته مرکزی آنها را تدقیق و آماده انتشار بکند.

اما روشن است که انتشار گزارش سیاسی و قطعنامه های سیاسی بعد از پایان کنگره حکم «نوشدارو بعد از مرگ سهراب» را دارد. بعد از تبدیل شدن آنها به مصوبه کنگره فقط میتوان آنها را نقد کرد و اشکالات و انحرافاتش را نشان داد و رفقا هم مجبورند بد و یا خوب، از آنها بمثابة مصوبه رسمی قابل اجرا در فاصله دو کنگره دفاع بکنند. حتی اگر در این نقد ها متوجه اشکالات، اشتباهات و انحرافات تحلیلی و سیاسی خود هم بشوند، عملا مجبورند و متعهدند که تا کنگره بعدی چنین مصوباتی را با همان اشکالات اش بمورد اجرا بگذارند. لذا نقد بعد از تصویب اسناد سیاسی در کنگره بیشتر حالت افشا بخودش میگیرد تا تاثیر گذاری مثبت در روند تصمیم گیریهای کنگره.

اگر در گذشته نبود امکانات ارتباط جمعی گسترده نظیر آنچه که امروز در دسترس است، بار امنیتی تشکیلاتهای انقلابی را در انتشار اسناد سیاسی صد چندان میکرد (در آن صورت هم موضع کمونیستی انتشار پیش نویسهای اسناد مهم سیاسی با در نظر گرفتن و حذف مسائل امنیتی بود و حتی در دوران مبارزه چریکی هم تلاش میشد با انتشار نظرات سیاسی، مبانی تاکتیکی و جمع بندی دوره ای این قاعده رعایت شود) امروز به یمن گسترش وسایل ارتباط جمعی، هر حزب و سازمان سیاسی بویژه سازمانهای مدافع جنبش کارگری میباید با رعایت مسائل امنیتی طبقه کارگر و مردم را در جریان طرح ها و سیاست های خود قرار بدهند، به کارگران پیشرو و به فعالین و نمایندگان جنبش های اجتماعی امکان دهند تا نظرات و پیشنهادات خود را قبل از به تصویب رسیدن و جنبه اجرائی گرفتن آنها مطرح کنند. فراتر از آن فعالیتهای بین دو کنگره و نیز اختلافات خود را با مردم در میان بگذارند و گزارش دهی به طبقه کارگر و مردم را به امر نهادی و به یک فرهنگ و سنت در جامعه تبدیل بکنند.

فقدان و یا ضعیف بودن چنین مکانیزمی ضربات جبران ناپذیری به امر مبارزه و به امر استحکام و انتظام تشکیلات ها وارد نموده و به پراکندگی

و بی اعتمادی دامن زده است. من فکر نمیکنم از این بابت نیازی به آوردن فاکت بوده باشد، زیرا فاکت ها آنقدر زیاد است که بقول لنین انسان از وفور آنها در مضیقه میافتد. آنجا که به احزاب و رهبران بورژوائی و خورده بورژوائی جامعه ما مربوط میشود مشکلی بنام مردم و اطلاع رسانی به مردم نداشتند و ندارند. آنها از مشارکت سیاسی مردم وحشت دارند. بند و بست های سیاسی درخفا، ریاکاری و فریب مردم سنت سیاسی آنهاست. و محصولش تداوم ده ها سال سرکوب و خفقان و به خاک سیاه نشاندن توده های زحمتکش مردم بوده است که ابعاد وحشتناک تبعات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی وهنجاری آن در جامعه امروز ما برکسی پوشیده نیست. احزاب انقلابی و کمونیست و چپ هم که در این دوران سرکوب و خفقان پرچمدار آزادی بیان و اندیشه و برابری و پیشگامان مبارزه علیه ستم و استثمار و زور و سرکوب بودند نیز کم و بیش از این جو و مناسبات تاثیر پذیرفته اند و از این بابت فجایع و اشتباهات و انحرافات در احزاب کمونیست و چپ انقلابی کم نبوده است.

احزاب و سازمانها هر اندازه که از مردم دور شدند و هر اندازه که سیاست ها و اختلافات خود را از مردم و فعالین جنبش های اجتماعی پنهان کردند، به همان اندازه ابعاد اشتباهات و انحرافات سیاسی و تشکیلاتی وسعت گرفت. از حل ابتدائی ترین مشکلات و گره گاه ها عاجز ماندند.

من جای دوری نیروم از خودمان شروع میکنم. تصور کنید که اگر در سازمان چریکهای فدائی خلق ایران «اقلیت» همان مصوبه کنگره اول در سال ۶۰ که آزادی و علنیت مباحث سیاسی و اختلافات نظری را بعنوان امر نهادی تصویب کرده بود، اجرا میشد و نظرات سیاسی قبل از کنگره دوم انتشار علنی می یافت و اختلاف نظرها جایگاه مشخصی پیدا میکرد و مردم و فعالین جنبش در جریان اختلافات و نحوه برخورد به حل آنها قرار می گرفتند. آیا آن واقعه تاسف بار کاپیولون اتفاق می افتاد؟

اگر کوچکترین علنیتی در سیستم رهبری حزب دموکرات بود، قاسملو ها به پای خود در دام عوامل رژیم گرفتار میشدند؟ در حالیکه حتی عضو دفتر سیاسی این حزب هم از یک چنین برنامه سیاسی و قرار مهمی اطلاع نداشتند؟ یا پیش زمینه های جنگ دموکرات و کومه له، سیاست ها و تاکتیکیهای فاجعه بار حزب توده و اکثریت در کردستان، ترکمن صحرا و در سراسر ایران و.. نمونه ها زیاد است و اینها مثالهای تلفات جانی و لطمات تشکیلاتی هستند و نتایجی که به عینه ملاحظه میکنیم، لطمات سیاسی این روشها در عرصه سیاسی و اجتماعی کشور و - ادامه در صفحه ۴

نقدی بر شیوه برگزاری کنگره نهم «حزب کمونیست ایران»

آنجا که این تصمیمات در اتاقهای در بسته به سیاست عملی تبدیل شده است، غیرقابل جبران است.

احزاب و جریاناتی هم که بعد ها در نتیجه عقب نشینی و پراکندگی جریانات بزرگتر نظیر کومه له، در خارج از کشور تحت عناوین مختلف کمونیست کارگری و غیره بوجود آمدند و فکر کردند از شکم زمانه زاده شده اند و بی کم و کاست حقیقت را دریافته اند و نیازی به نیم نگاهی به تاریخ جنبش کمونیستی و فعالیت حزبی در تاریخ گذشته ما احساس نکردند، مبینم که چگونه در دور تسلسل همان اشتباهات و بمراتب بدتر از آنها گرفتارند.

در این رابطه یادآوری تشکیل حزب منصور حکمت خالی از فایده نیست که چگونه برنامه نصفه و نیمه ای را قبل از کنگره با عجله با وصله پینه کردن از اینور و آنور تهیه کرد و در کنگره شان به تصویب رساند و بعد کامل کردن آنرا هم خود برعهده گرفت و آنهم شد «برنامه حزب کمونیست کارگری» و سپس در هر کنگره هم بیست سی نفر را بعنوان اعضای کمیته مرکزی ردیف کرد و جلو رادیو تلویزیون گذاشت. درب کنگره شان را بر روی طیف های رنگارنگ باز کردند تا ضمن ترتیب دادن سیاهی لشکر، چنین وانمود کنند که گویا در تشکیلاتشان دموکراسی و علنیت مباحث وجود دارد و حق و حقوق اعضا در برخورد به اسناد سیاسی رعایت میشود و اختلاف نظرات جایگاه خود را دارند! در حالی که چنین علنیتی تنها تظاهر اپورتونیسیم و ایندیوالیسیسم در میان رهبران آن بوده. در اصل نه تنها از علنیت مباحث پایه ای قبل از کنگره خبری نبود بلکه هنگام اختلاف و انشعاب جز رهبر و هواربیون حتی بنا به اعتراف خودشان، اعضای دفتر سیاسی شان هم نمیدانستند که اختلاف قبل از انشعاباتشان بر سر چی بوده است، بخشی از این «رهبران» هنوز هم از ماهیت اختلافات خود خبر ندارند. حال مردم و طبقه کارگر بجای خود..... شکلگیری کیش شخصیت و توهم پراکنی و تکرار مکرر اشتباهات سیاسی، تاکتیکی و تشکیلاتی چنین احزابی غیرقابل پیشبینی نیست.

شاید طرح اولیه گزارش سیاسی و قطعنامه های رفقای حزب کمونیست آماده انتشار بیرونی نبوده و مسائل مهم دیگری برگزاری کنگره را ضروری ساخته بوده است که در آن صورت میبایست از طرف رهبری حزب صراحتا اعلام میشد که در این دوره گزارش سیاسی و.. نداریم. کاری که سازمان اتحاد فدائیان کمونیست هنگام

برگزاری چهارمین کنگره خود کرد و اعلام نمود که تحلیل های گزارش سیاسی کنگره سوم به اعتبار خود باقیست و با وجود این، چهار ماه از طریق شبکه پالتاک مباحث و نیز کارکرد میان دو کنگره خود را به نقد عمومی گذاشت تا قبل از کنگره نظرات فعالین جنبش چه موافق و چه مخالف را بشنوند. این روش ضمن به حد اقل رساندن اشتباهات سیاسی، تشکیلاتی و تاکتیکی جریانات سیاسی، در عین حال به توهم پراکنی سازمانهای سیاسی و متوهم شدن کارگران و مردم به آنها خاتمه میدهد و طبقه کارگر و مردم زحمتکش از هر سازمان و حزبی نسبت به قد و قواره اش و توانایی هایش انتظار میکشند و متوجه میشوند که فقط از جانفشانی اعضای این سازمانها کاری ساخته نیست و تنها با تلاشها و از خود گذشتگی های آنها معجزه ای بوقوع نخواهد پیوست. بلکه برای رسیدن به آزادی، برابری و سوسیالیسم باید خود نیز پیا خیزند، به صفوف سازمانهای انقلابی خود پیوندند و آنها را تقویت کنند و.. درسهائی که هم خود ما و هم سایر فعالین جنبش از این مباحث و از این روش و سبک کار گرفتیم غیر قابل انکار است.

انتظار این بود که رفقای حزب کمونیست حد اقل همان طرح اولیه گزارش سیاسی و قطعنامه های خود را قبل از کنگره منتشر میکردند و بعنوان پیش نویس اولیه به جنبش ارائه میدادند و بر محور آنها اختلافات و انتقادات خود را بیان میکردند و در جریان بحث عمومی اسناد و تحلیلهای سیاسی خود را کامل مینمودند. اما متأسفانه این کار نشده است و از این امر مهم غفلت نموده اند.

در خاتمه تذکر این نکته را ضروری میدانم که ما با حزب کمونیست ایران دارای مناسبات رفیقانه بوده و هستیم و من این مطلب انتقادی رفیقانه را نه بمنظور تضعیف حزب، بلکه از روی علاقه به سر نوشت آن و سر نوشت جنبش انقلابی و طبقه کارگر نوشتم و امید وارم مورد توجه اعضا و رهبری حزب و فعالین جنبش کارگری و کمونیستی قرار گرفته باشد.

یدی - شیشوانی

۲۹ مرداد ماه ۱۳۸۶

yadishishvani@yahoo.co.uk

زمان، پس از گذشت کودتای ضد انقلابی سالهای ۱۹۹۳ — ۱۹۹۱، به عینه نشان داد که، خلقهای اتحاد شوروی از حاکمیت شورائی محروم شدند. ابر قدرتی با اقتصاد رشد یافته، دارای سیستم تحصیل، بهداشت و مراقبتهای پزشکی رایگان، با علم و فرهنگ پیشرفته، با قدرت تدافعی مطمئن که، همه مردم خویش را با اطمینان به آینده و با همه نیازمندیهای ضروری زندگی تأمین می کرد، از صحنه جهان پاک شد.

دولتهای کنونی، اراضی اتحاد شوروی را با تضادهای اشتی ناپذیراجتماعی، ایجاد مناقشات ملی بواسطه تحریکات ضد انقلاب داخلی و هدایت نیروهای خارجی، با صدها هزار کشته و معلول در نتیجه جنگهای منطقه ای، از هم می درند. خلقهای ما، تقسیم شدند و تاراج گردیدند. در اثر کاهش شدید زاد و ولد و افزایش مرگ و میر، تنها روسیه، سالانه قریب یک میلیون نفر انسان از دست می دهد. میلیونها نفر جنگ زده و رانده شده در کشور آواره شده و گدائی می کنند، بیش از چهار میلیون نفر کودک بی خانمان، آواره و ولگرد شده است. جوانان به مشروبات الکلی و مواد مخدر روی آورده اند. هر روز، مردم بیشتری با سرعت سرسام آور به دامن فقر رانده می شوند، قیمت نیارمندیهای اولیه ضروری، حمل و نقل، مواد انرژی، اجاره بهای منازل، تحصیل و کمکهای پزشکی با شدت بی سابقه ای، مدام افزایش می یابد.

خسارات و ضایعاتی که، «اصلاحات بازار»، به کشور ما وارد ساخت، دقیقا، ابرابر بیشتر از خسارات و ضایعاتی بود که، اشغالگران فاشیست، به اتحاد شوروی وارد کردند. کشور، در آستانه بردگی استعماری قرار گرفت. و گامهای آخر بوسیله "اصلاح طلبان" حاکم که، در تلاشند با انحلال کامل بقایای سیستم مالکیت دولتی (انحصارات طبیعی) — انرژی، راه آهن و خصوصی سازی زمینهای عمومی، به مفهوم فروش ابدی هر قسمت کشور، برداشته می شود. جلو شکست مطلق اقتصادی روسیه، کشورهای مشترک المنافع و کاهش چندین باره سطح زندگی مردم، به پشتوانه دستاوردهای عظیم مردم در دوره حاکمیت شوروی، گرفته می شود. "اصلاحات طلبان" با استفاده از ذخایر هنگفت انباشت شده و تکنولوژی

نوین سیاسی، اطلاعاتی — روانشناسی، تهاجم افسار گسیخته و انتقام جویانه ای را بر علیه همه نیروهای مترقی، انقلابی و بر علیه همه خلقهای که، اصالت و استقلال خود را حفظ کرده اند، آغاز کرده است و گامهای بلندی برای پیوستن به الیگارش جهانی اقتصاد، برمی دارد.

تحلیل جهانی سازی امپریالیستی به جامعه جهانی، هر چه بیشتر از چهارچوبه سیاسی — اقتصادی، خارج می شود. اشغال نظامی کشورهای مختلف قاره های اروپا و آسیا به رهبری امریکا و ناتو، مؤید آن است که، دستیابی به جهان تک قطبی به سرکردگی همین کشورهای اشغالگر، به مرحله ای رسیده است که، با آن شرایطی که، کوششهای مالیخولیائی فاشیسم آلمان برای آقائی برجهان، در نیمه اول قرن گذشته، بوجود آورده بود، تفاوت چندانی ندارد.

سرمایه جهانی، به بهانه "اصلاحات" دموکراتیک و لیبرالی، روسیه و دیگر کشورهای اراضی اتحاد شوروی را، به معنی واقعی کلمه، تحت اشغال کامل خود در آورده است. اشغالگران موفق شدند آنها را از لحاظ مالی — اقتصادی، تکنولوژیکی و خواروبار، به کشورهای وابسته تبدیل سازند. و این خود، شرایط از هم پاشیدگی ارتش روسیه و از بین بردن توانائیهای عظیم صنایع نظامی آن را فراهم می سازد. امریکا، کار از بین بردن سپر دفاع موشکی کشور ما را کنترل می کند و برای نابود کردن ایستگاههای کنترل رادیویی ما در کمین نشسته است. وابستگی اقتصادی کشور، به دولت امریکا اجازه داد تا احتمال لغو قرارداد پیشین امنیت متقابل موشکی را که، به وابستگی آشکار سیاسی کشورهای ما منجر می شود، اعلام نماید. تدارکات نظامی امریکا و ناتو، احتمالا، برای اشغال نظامی میهن ما و کشورهای کوچک و نه چندان مستقل، رو به پایان است. (به این پیش بینی سال ۲۰۰۱ و حوادث بعد از آن توجه کنید! مترجم).

کشورهای سرمایه داری جهان و بورژوازی نوظهور و مقامات خودفروش میهن ما، با تصرف رادیو — تلویزیون و مطبوعات، کشور ما را بطرز وقیحانه ای، هم در زمینه سیاسی، هم در زمینه اجتماعی — اقتصادی، و هم در زمینه فرهنگی — اخلاقی، به انحطاط کشانده اند. حرکت به قهقرا — از سوسیالیسم به سرمایه داری — نیروهای مولده را از هم پاشید، فرهنگ ملی، علم و تحصیل را ویران کرد. بازگشت به عقب، از هم پاشیدگی مجامع کارگری را تحکیم بخشیده، توده های کارگری را تکه — تکه کرده و آنها را به لومپن پرولتاریا تبدیل نموده است. دهقانان را تاراج، صندلی های مراکز آموزش عالی را بورژوائی و بخش عظیم روشنفکران را، لومپنیزه کرده است. برقراری

حاکمیت مقامات خودفروش، بورژوازی نیمه جنایتکار و جانبدار حرفه ای تقریبا در تمامی اراضی اتحاد شوروی، موجب پراکندگی پرولتاریا و رشد تنگ نظری — فرصت طلبی گردید. بی حقوقی و بی قانونی، پوچ گرایی فیزیکی و معنوی، هراس، بی اعتنائی و رواج طفیلی گری در میان اکثریت جامعه که، به هیچ چیز و هیچ کس اعتمادی ندارند، ویژگی این "جامعه" است.

کنگره اعلام می کند: تحمل خلقها بی پایان نیست. تشدید مبارزه طبقاتی، جنبشهای آزادیبخش ملی، مقاومت توده ای در مقابل حاکمیت دزدان و خائنان، ضرورت زمان ماست. مردم بازهم بیشتری، با درک مفهوم منافع طبقاتی، با درک شایستگی خود و با افتخار به میهن خویش، به صفوف مبارزان، به حزب کمونیست، گردان پیشرو مبارزه در راه سوسیالیسم خواهند پیوست و در اطراف آن متشکل خواهند شد.

احزاب کمونیست متحد — حزب کمونیست اتحاد شوروی از آغاز تشکیل خود، فعالیتهای خود را در جهت تمرکز و هماهنگی فعالیت نیروهای کمونیست موجود در اراضی اتحاد شوروی پس از کودتای ضد انقلابی، در جهت بازسازی حزب کمونیست واحد، بعنوان ضروری ترین شرط برقراری حاکمیت زحمتکشان، متمرکز کرده است. تا سال ۱۹۹۵، اکثریت احزاب کمونیست جمهوریها، در احزاب کمونیست متحد — حزب کمونیست اتحاد شوروی متحد شدند. علاوه بر توطئه های نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی، سلطه ایدئولوژی سازشکارانه، فعالیت تئوریک و عملی رهبران بعضی از احزاب که، خود را کمونیست می نامند، بزرگترین مانع یک پارچگی بیشتر و توافق همه کمونیستها در مورد مسائل عملی محسوب می شود. کنگره، تلاشهای تحریک آمیز آنها را که، به تصرف زورگویانه رهبری احزاب کمونیست متحد — حزب کمونیست اتحاد شوروی اقدام نمودند، محکوم نموده و اعلام می کند که، آنها با این اقدام خویش، در جبهه مقابل اتحاد ما قرار گرفتند.

کنگره اعلام می کند: ترمیم ویرانیهها، جلوگیری از ادامه سقوط بی سابقه خلقهای ما و تشکیل مجدد دولت مقتدر و شکوهمند سوسیالیستی، تنها در سایه رهبری حزب کمونیست واحد و یک پارچه معتقد بر پیش انقلابی مارکسیستی — لنینیستی، امکان پذیر است. تقویت احزاب کمونیست متحد — حزب کمونیست اتحاد شوروی و پاکسازی صفوف آن از عناصری که، ضمن همکاری با حاکمیتها و با شرکت در بازیهای پارلمانی، از صفوف حزب فاصله گرفته اند،

ترجمه: ا.م. شیزلی (۲۰۰۷/۸/۹)

تحت رهبری یک سازمان، سازمان متحد کننده بهترین نیروهای طبقه کارگر و همه مردم زحمتکش، سازمانی پای بند به سنن بلشویکی، یعنی حزب کمونیست مارکسیستی — لنینستی اتحاد شوروی، به پیش حرکت کند.



پرولتاریای همه جهان متحد شوید!

همه قدرت به شوراهای زحمتکشان — پیش، بسوی سازندگی، پیش، بسوی کمونیسم!

اتحاد شوروی، میهن ما، زندگی ما، آینده ماست!

وظیفه اصلی امروز می باشد. کنگره در شرایط بسیار سخت کنونی، براساس پیروی اکید از تئوری مارکسیسم — لنینسم، از میان برداشتن اختلاف نظر با فراکسیونها و چند حزبی را، مهمترین سمت فعالیت کمونیستها برای غلبه بر عقب ماندگی و بکارگیری عملی نتایج علمی آن، تشخیص داد. تقویت وحدت سازمانی اکثریت زحمتکشان و همه آنهاست که، هنوز بصورت پراکنده، اما، اعضاء بالقوه ارتش شکست ناپذیر پرولتاریا، ارتش آفریننده ارزشهای مادی و معنوی، مبارزان سرسخت و اشتی ناپذیر بیرون کشیدن خلق از آغوش مرگبار سرمایه داری و بازگرداندن سوسیالیسم هستند، مهمترین شرط پیروزی است.

این ارتش، می تواند و باید، فقط

بیانیه زندانیان محکوم به اعدام

دستگیری ۶۱ نفر از پناهجویان ایران در ترکیه و خطر دیپورت آنها به ایران

طبق اطلاعات موثق، روز پنجشنبه ۲۲ مارس پلیس ترکیه با یورش به محل تردد پناهجویان در شهر استانبول، ۱۶ نفر از پناهجویان ایرانی را دستگیر و به بازداشتگاه محل انتقال میدهند. دستگیری توأم با خشونت پناهجویان ایرانی و انتقال آنها به پلیس انتظامی محل و سپس تحویل آنها به «شعبه یابانچی» نشان میدهد که ماموران ترکیه قصد دارند این پناهجویان را به ایران دیپورت کنند. این پناهجویان هم اکنون در «یابانچی شعبه» قوم کاپی استانبول، در بازداشت به سر میبرند و احتمال اینکه تا دوسه روز دیگر دیپورت شوند بسیار زیاد است.

ما این عمل غیر انسانی دولت ترکیه را محکوم کرده واز همه تشکل های مدافع پناهجویان و سازمانهای دفاع از حقوق بشر و حق پناهندگی و احزاب و سازمانهای سیاسی تقاضا داریم هرچه زود تر اقدامات لازم را جهت نجات این پناهجویان دربند انجام دهند.

کمساریای عالی پناهندگان و دولت ترکیه در برابر سلامت و حفظ جان پناهجویان مسئول هستند و از کمساریای عالی پناهندگان در ترکیه میخواهیم هرچه سریعتر نسبت به آزادی پناهجویان دستگیر شده اقدام نماید.

کمیته امور

پناهجویان سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۵-۲۰۰۷-۸

برای لغو اعدام و نجات جان محکومین به اعدام، کوشش کنید! حدود دو سال است که حکومت جمهوری اسلامی اعدامها و شکنجه های زندانیان سیاسی و مخالفین حکومتی را به بهانه های امنیتی افزایش داده است. خوزستان، کردستان، آذربایجان و در تهران. بالاترین آمار اعدامها صورت گرفته است. و همه محکومین به اعدام پشت درهای بسته و بدون توجه به قراردادهای بین المللی به اعدام محکوم میشوند. در تهران نیز این روزها تعدادی از محکومین به اعدام، و اکثرا زندانیان سیاسی محکوم به اعدام را از سراسر کشور به زندان رجایی شهر منتقل کرده اند و در این میان آقایان فاضل رضانی و حاجت مراد محمدی که خود از مخالفین حکومتی و از فعالین سیاسی هستند و حدود ۹ سال در زندان بودند، را به همراه کسانی که حکومت آنها را به اصطلاح ارادل و اوپاش می نامید، اعدام کرد. حجت زمانی نیز بهمین ترتیب، در چند ماه اخیر اعدام شد. شکنجه زندانیان آنقدر شدید است که تعدادی از زندانیان اکبر محمدی و ولی الله فیض مهدوی در سال گذشته به صورت مرموز کشته شدند و بیم آن می رود که این اعدام و شکنجه ها ادامه یابد. ما زندانیان سیاسی اعدامی امضا کنندگان این بیانیه از اتحادیه اروپا و تمامی مجامع بین المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر در کشورهای دموکراتیک دنیا خواستار واکنش مبرم و مناسب جهت لغو اعدام و پیگیری نسبت به خواستهای مطروحه خود و دیگر عزیزانی که محکوم به اعدام شده اند، هستیم.

زندانیان اعدامی

خالد هردانی

ناصر خیر اللهی

شهرام پور منصوری

لطیف محمدی

مصطفی سلیمی

فرهنگ پور منصوری

لازم به توضیح است که شهرام پور منصوری بهنگام دستگیری زیر ۱۸ سال بوده است.

۲۲ مرداد ۱۳۸۶

تاکید فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل بر آزادی سریع اسانلو، و صالحی

۱۸ مرداد، روز اقدام بین المللی برای آزادی اسانلو و صالحی

ما ضمن پشتیبانی از آکسیون اتحادیه های کارگری بر این نظر هستیم که اولاً اتحادیه های کارگری میباید در این زمینه در دفاع از کارگران ایران و بویژه کارگران زندانی به تنها فراخوان اکتفا نکرده بلکه عملاً در بسیج و سازماندهی این حرکت اقدام نمایند دوم اینکه رژیم اسلامی نشان داده است که به اقداماتی از این دست توجه چندانی ندارد و میبایست اقدامات عملی معینی توسط کارگران بنادر، فرودگاه ها و غیره در ایجاد محدودیت برای دولت جمهوری اسلامی در دستور شکل های کارگری قرار گیرد.

طبق گزارش زیر در حالی که قرار است اتحادیه های کارگری، اقداماتی بین المللی را برای آزادی منصور اسانلو و محمود صالحی، دو فعال کارگر زندانی انجام دهند، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل هشدار داد که هر اقدامی علیه آقای اسانلو و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران با واکنش جهانی مواجه خواهد شد.

در همین حال، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، روز جمعه ۲۷ ژوئیه، اعلام کرد که اتحادیه های کارگری در سراسر جهان در نظر دارند روز نهم اوت، ۱۸ مرداد، برای آزادی منصور اسانلو اقدامات گسترده ای را انجام دهند.

رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه روز ۱۹ تیر در نزدیکی منزل خود توسط چهار نفر از ماموران امنیتی بازداشت شد و از آن هنگام در زندان اوین نگهداری می شود.

بولتن خبری فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، با اشاره به اینکه روز نهم اوت، ۱۸ مرداد، به مناسبت سالگرد آزادی رییس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از زندان و پس از اقدام بین المللی اتحادیه های کارگری در جهان، انتخاب شده است، نوشت: قرار است در این روز، تجمعی در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در لندن برگزار شود و در جریان آن، قطعنامه ای برای آزادی منصور اسانلو صادر خواهد شد.

همچنین اعضای سایر اتحادیه های کارگری در خارج از بریتانیا، به برگزاری تظاهراتی در مقابل سفارتخانه ها و کنسولگری های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای خود فراخوانده شده اند.

این بولتن خبری همچنین اطلاع داده است که پروانه اسانلو، همسر منصور اسانلو، همراه با

یکی از وکلای مدافع این فعال کارگر زندانی روز چهارشنبه، ۲۵ ژوئیه، در دیدار با قاضی پرونده او، خواستار دریافت اجازه ملاقات با آقای اسانلو شده است، اما قاضی مربوط با این خواسته مخالفت کرده است.

در عین حال، اعضای دفتر این قاضی به همسر آقای اسانلو گفته اند که او به اتهام اقدام علیه امنیت ملی بازداشت شده است.

بر اساس این گزارش، در همان روز، خواهر آقای اسانلو و یکی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به زندان اوین مراجعه کرده اند تا داروهایی را که این فعال کارگری استفاده می کرده است تحویل دهند، اما مقام های زندان از قبول این داروها خودداری کرده اند.

منصور اسانلو سابقه بیماری های چشم و قلب دارد و پیش از بازداشت در دو هفته قبل، باید تحت عمل جراحی اضطراری چشم قرار می گرفت.

در این ارتباط، پروانه اسانلو در گفت و گو با رادیو فردا، با اشاره به اینکه از حدود دو هفته پیش تاکنون از همسرش اطلاعی ندارد، از احتمال سلامتی و نیز اعمال فشار بر این فعال کارگر زندانی ابراز نگرانی کرده بود.

در همین حال، به نوشته بولتن خبری فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، دیوید کاکرافت، دبیرکل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل، گفت: «پس از سال ها تهدید، وضعیت سلامتی منصور اسانلو، آنگونه که باید باشد، نیست.»

وی افزود: «به همین دلیل، ما بر ضرورت آزادی هر چه سریع تر او بیشتر تاکید می کنیم و اعلام روز اقدام بین المللی از سوی ما و کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری یکی از راه های دستیابی به این هدف به شمار می رود.»

آقای کاکرافت همچنین از رفتار خشونت آمیز در قبال آقای اسانلو ابراز تأسف کرد و گفت که هر اقدامی علیه او و اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران با واکنش جهانی مواجه خواهد شد.

۱۸ مرداد، روز اقدام بین المللی برای آزادی اسانلو و صالحی

دو اتحادیه بزرگ کارگری در جهان با اعلام روز ۱۸ مرداد به عنوان روز همبستگی بین المللی، از ده ها میلیون عضو خود خواستند برای آزادی منصور اسانلو، رییس هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، و محمود صالحی، فعال کارگر زندانی اقدام کنند.

در نامه مشترکی که توسط گای رایدر، دبیر کل کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری، ای تی یو سی، و دیوید کاکرافت، دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل،

آی تی اف، امضا شده، خطاب به سندیکاها و اتحادیه های عضو این دو سازمان بین المللی آمده است: «ما از شما می خواهیم که در تاریخ ۱۸ مرداد ماه ۱۳۸۶ برای دو زندانی مشهور اتحادیه کارگری در ایران، منصور اسانلو و محمود صالحی، به روز اقدام بین المللی پیوندید. ما می دانیم که فصل تابستان بویژه در نیمکره شمالی، برای روز اقدام همبستگی بین المللی زمان مناسبی نیست. اما معتقدیم که برای این دو مورد ویژه، اگر خواستار آزادی این دو همکار زندانی ما در موعر مقرر هستیم، یک اقدام جدی و فوری ضروری است.»

بر اساس این نامه، ای تی یو سی و آی تی اف اخیراً نامه اعتراضی مشترکی در ۲۰ تیر ماه به دولت ایران نوشتند و به کمیته آزادی تجمع سازمان بین المللی کار، آی ال او، نیز اطلاعات جدید خود را ارائه کردند. به علاوه، آی تی اف، تومار الکترونیکی «منصور اسانلو را آزاد کنید» به راه انداخت.

این گزارش حاکی است که تاکنون بسیاری از اتحادیه های عضو این دو سازمان بزرگ بین المللی کارگری، به ویژه در خاورمیانه، نامه های اعتراضی خود را ارسال کرده اند. همچنین تعدادی از اتحادیه ها اقدامات اعتراضی در مقابل سفارت های ایران برگزار کرده اند.

در نامه مشترک گای رایدر و دیوید کاکرافت همچنین به وضعیت محمود صالحی، عضو کمیته هماهنگی برای سازماندهی کارگران، که به اتهام تلاش برای برگزاری روز جهانی کارگر در شهر سقز بازداشت شد و اکنون در زندان سنندج به سر می برد، اشاره شده است.

در این نامه با شرح این موضوع که جان محمود صالحی به دلیل بیماری کلیوی و اقدام نکردن مقام های جمهوری اسلامی ایران به مداوای او در خطر فوری قرار دارد، آمده است: «آقای صالحی عضو هیئت مؤسس انجمن کارگران

خبازان سقز و کمیته هماهنگی برای سازماندهی کارگران است. فعالیت های ایشان همواره آزار و اذیت های مقامات را به دنبال داشته و به رغم وضعیت نامناسب سلامتی، ایشان در سنندج در استان کردستان که از سقز و خانواده به دور است، زندانی است. بسیاری از اتحادیه های وابسته به درخواست آی تی یو سی در تاریخ ۲۰ تیرماه برای اقدام اعتراضی واکنش نشان داده اند. اکنون ما از شما می خواهیم که برای اعمال فشار قدم پیش بگذارید، چرا که شواهد مستندی وجود دارد که زندگی محمود صالحی بخاطر مراقبت های نامناسب پزشکی در زندان در خطر است.»

کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری و فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل سپس ابراز امیدواری کرده اند که اسانلو و صالحی قبل از ۱۸ مرداد و به خاطر فشارهای

مستمری که بر مقامات ایران تا آن تاریخ وارد خواهد شد، آزاد شوند.



نماینده سابق کارگران ایران در سازمان جهانی کار

تشویق رسانه‌ها به انعکاس اخبار کارگران، یکی از راههای حفظ وحدت ملی است نباید با رسانه‌های منتقد برخورد شود یزد- خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا در تاریخ ۱۳ تیر ۱۳۸۶ گزارش داد:

نماینده سابق کارگران ایران در سازمان جهانی کار (ILO) گفت: جامعه کارگری ایران برای انعکاس خواسته‌های خود به کمک رسانه‌های مستقل و منتقد احتیاج مبرم دارد.

به گزارش خبرنگار کارگری ایلنا، جبارعلی سلیمیان، با بیان اینکه در حال حاضر به غیر از خبرگزاری کار ایران و چند نشریه، رسانه دیگری برای انعکاس آلام و مشکلات جامعه کارگری وجود ندارد، گفت: مسوولان نظام باید در راستای تقویت و توسعه دموکراسی، زمینه لازم را برای حضور پویاتر رسانه‌های منتقد فراهم آورند.

وی با اشاره به گستردگی طبقه کارگری در ایران، گفت: از آنجا که سال ۸۶ به نام سال اتحاد ملی نامگذاری شده است، تشویق رسانه‌ها به انعکاس اخبار کارگران، یکی از راههای حفظ وحدت ملی است.

وی یادآور شد: در بیشتر جوامع، رسانه‌های تحت نفوذ صاحبان قدرت کمتر به انعکاس اخبار طبقات مظلوم جامعه تمایل نشان می‌دهند.

این فعال کارگری با بیان اینکه مطبوعات ایران نیز کمتر به مشکلات کارگران توجه می‌کنند، یادآور شد: انعکاس اعتراضات سال گذشته کارگران فرش البرز و حادثه شهر بابک در ایلنا نشان داد که بر خلاف آنچه در مطبوعات کشور تا کنون منتشر شده، جامعه کارگری با مشکلات جدی روبه‌رو است.

عضو کانون شوراهای اسلامی کار استان یزد تاکید کرد: در حال حاضر فضای مطبوعات کشور بیشتر مواقع در مقابل مسایل کارگری سکوت کرده و رسانه‌های

مختلف با تردید و تشویق، تنها در مواقعی مانند تعیین دستمزدها یا اصلاح قانون کار که صدای اعتراض کارگران کشور به اوج خود می‌رسد، تنها بخشی از این اعتراضات را منعکس می‌کنند.

وی در مورد تهدیداتی که به تازگی از سوی برخی مسوولان علیه رسانه‌های منتقد صورت گرفته است، گفت: با توجه به اینکه مسوولان کشور امروز خود را مدافع آزادی بیان می‌دانند، نباید با رسانه‌هایی که در چارچوب مقررات کشور، گوشه‌ای از حقایق جامعه کارگری را منعکس می‌کنند برخورد نمایند.

سلیمیان تاکید کرد: امروز ایلنا به عنوان رسانه مستقل جامعه کارگری در خصوص انتشار اخبار کارگری رویه منتقدانه‌ای دارد، به طوری که در مورد مشکلات کارگران، نقطه نظرات عالی فعالان صنفی کارگری را منعکس می‌کند.

نماینده پیشین کارگران ایران در سازمان جهانی کار افزود: از آنجا که ایلنا در نزد فعالان کارگری کشورهای جهان، رسانه‌ای شناخته شده و معتبر است، هر گونه اعمال محدودیت برای این رسانه، موجب کنجکاوای مجامع جهانی و واکنش فعالان حقوق بشر خواهد شد.

وی افزود: اگر اخبار کارگری ایلنا از سوی رسانه‌های خارجی مورد استفاده قرار می‌گیرد، تنها به دلیل فضای محدود و ناامنی است که به موجب قوانین دست و پاگیر برای مطبوعات فراهم شده است و به هیچ عنوان تایید کننده پیاده نظام بودن دشمن نیست.

پایان پیام

کار کمونیستی

زیر نظر شورای مرکزی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست منتشر میشود.

فاکس اتحاد فدائیان کمونیست
+۴۶۱ ۳۱۷۷۹۲۵۷۱

سایت سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

روابط عمومی

webmaster@fedayi.org

شورای مرکزی

centralconcil@fedayi.org

نشریه کار کمونیستی

kar@fedayi.org

کمیته کردستان

kurdistan@fedayi.org

کمیته آذربایجان

azer@fedayi.org

امور پناهندگی

panahjo@fedayi.org